

نسودی سه دیگر گره را شناس
 کجا نیست بر کس از ایشان سیاس
 بکارند ورزند و خود بدروند
 بگاه خورش سرزنش نشوند

تشکیلات اجتماعی در دهگده هندی

گرچه در هندوستان صنایع

و تاسیسات جدید رو با افزایش

است هنوز نود در صد از

سید و نود ملون جمعیت این

کشور در دهات زندگی میکنند . برای درک روح هندوستان

باید دهات رفت زیرا سن باستانی مذهب و آداب کاملاً در

آنجا باقی و مبادی اجتماعی قراء بر احوال نه دهم اهالی

این مملکت حکمفرما است .



سازمان اجتماعی قراء هند موروث ایام باستان است

که هر دهی تا حدی حکومت مستقل داشت و حاجات خود را

بر میآورد . البته تغییرات جدید در امور اقتصادی و اجتماعی

دهات تاثیر کرده و حاجات تازه ای که باید از خارج فراهم شود

ایجاد نموده لکن مبنای زندگی دهقان هندی هنوز بیشتر

بر اصول آداب باستانی است . در اینصورت برای آنکه از

چگونگی آداب و تمدن هندی آگاه شویم باید در گذشته

بتکریم و رسوم باستانی را که تا اندازه ای موجد این تمدن

بوده مورد مطالعه قرار دهیم .

اصولاً تاسیسات اجتماعی با سازمان اقتصادی هر جامعه

رابطه مستقیم دارد . تا زمانهای اخیر قریه هندی عملاً

حاجات خود را بر میآورد و غذا و لباس و اثاث خانه و

اسباب کار خود را فراهم میساخت ولی کار اصلی البته

کشاورزی بود و بیشتر مردم بکار زمین میپرداختند . طرز

طبقه بندی اهالی نیز در نتیجه این کیفیت بوجود آمد . گرچه

دانشمندان در علت پیدایش آن گفته گوها دارند شک نیست

که از علل بوجود آمدن طبقات یکی را باید ضروریات

اقتصادی دانست زیرا تقسیم کار بوده که باین وضع درآمده

و بعدها نیز مورد تائید مذهب واقع گشته و صورت جدی

بخود گرفته است . چنانکه در اول جمعی مخصوص کاری

گشته بعدها شغلشان موروثی میشده است و این تقسیم را

روحانیون حفظ میکرده اند . بدینطریق طبقاتی از کارگران

از قبیل نساجان ، دلاکان ، درودگران ، گازران ، مسگران ،

دباغان و کناسان بوجود میآمده .

آنها که در ده کارهای پست داشته در مراتب اجتماعی

نیز پست بودند و آنانکه همچون گازران و کناسان و دباغان

به کثیفترین کارها دچار بودند میبایستی از دیگران جدا

زندگی کنند . بعضی نیز مانند روحانیون و آموزگاران و

بازرگانان بکارهای مهمتر دست یافته در طبقه عالی قرار

میگرفتند . از اینرو سلسله طبقات از ضروریات اقتصادی قریه

بوجود آمده و چون طبقات مختلف از ازدواج و حتی از

غذا خوردن با یکدیگر ممنوع شده اند تمایزات طبقاتی ،

سخت و متعجب شده است . اینگونه طبقه بندی که مقام

هرکس را بمناسبت کارش معلوم میکند هنوز در دهات

هندوستان چندان دست نخورده است .

چنانکه در جهان همه جا مقام اجتماعی مربوط بمقدار

ثروت است دهات هندوستان نیز از این قاعده خارج نیست

ولی بسیاری از دهات گرفتار فقر و میزان زندگی دهقان

باندازه ای ساده و مختصر است که منظره عمومی پریشانی

است . باوجود این بعضی مالدار و برخی بی چیزند ، عده ای

مالک و جمعی اجاره دار و جمعیتی کارگرند . مثل همه

جا آنها که از متاع دنیا بیشتر دارند نفوذ و مقامشان بیشتر

است مگر آنانکه بدینا پشت پازده اوقات خود را بدعا و

تفکر میگذرانند و فقر را بر دنیا گزیده روزی خود را

گدائی میکنند . ایشان مورد احترام فراوانند و کلامشان

اغلب از گفته ثروتمندان با نفوذتر است .

قریه هندی در قدیم تقریباً مستقل بوده است زیرا در

زمانهای کهن یک نوع دموکراسی وجود داشته که گرچه

غیر از اصول دموکراسی امروز بوده

افراد را در کار حکومت صاحب علاقه

و رای میساخته و در نتیجه استقلال

حکومتی دهات هندی چندان مستحکم

بوده است که امپراطوریهها موجود و

منقرض میشده فاتحین میآمده و

میگذشته اند ولی زندگی کشور



بجریان عادی خود میرفته و طرز حکومت تغییری
نمیکرده است .

خود مختاری دهات بانداره‌ای بوده که سلاطین جز
حفظ جان و مال مردم و تحصیل درآمدی که برای اینکار
لازم است عملی نداشته‌اند . شاه هر که بوده ده هندی زندگی
خود را ادامه میداده و امور خود را اداره میکردند .
یک نویسنده هندی میگوید سلاطین بیگانه پای تخت سیاسی
را تصرف میکردند اما از مرکز حقیقی هند خارج بودند ،
از این اجتماعات خود مختار کهن اطلاعات کافی نداریم لکن
از اشعار باستان و ثبت معابد اشاراتی بدست میآید . البته
رسوم دهات با یکدیگر اختلافاتی داشته اما آن صورت
کلی که در دست داریم هیئت پنجنفره ایست که بنام
پنجدیبات از رؤسای ده تشکیل شده کارهای عمومی را اداره
میکردند . پنجدیبات یعنی دسته پنجنفری و از اینرو معلوم
میشود که عدد پنج مورد توجه بوده هیئت پنجنفری گاه
از سران خانوادگانی بزرگ و گاه از بین سالخوردگان
انتخاب میشده است .

اختیارات پنجدیبات بسیار وسیع و اغلب نانوشته بوده
سالخوردگان قوانین باستانی را تفسیر و در حل اختلافات
دادرسی میکردند در کتب قوانین کهن نوشته بوده است
که حتی شاه باید قوانین و عادات اجتماعات محلی را مربوط
بخانواده یا طبقات و یا رسوم دهات هر چه باشد محترم
بشمارد . اداره امور معبد محل و جمع آوری هدایائی که
بمعبد میشده و احياناً قابل ملاحظه بوده بر عهده آن
سالخوردگان بوده است و نیز نظافت ده و حفظ راههای محلی
و امور آبیاری را آنها عهده‌دار بوده اند امر آبیاری و
نگهداری راهها از تکالیف عمومی و هر کسی مجبور بوده
که در موقع لزوم یا خود در این کارها شرکت کند یا
گاو و ارابه برای تعمیر قنوات و ساختن راهها بفرستد .
نه تنها هر دهکده بلکه هر طبقه در حکومت بخود مختار
بوده است طبقات نیز برای حل امور طبقاتی پنجدیبات
داشته اند . هیئتهائی از بازرگانان و نساجان و سنگ تراشان
امور اجتماعی و کار اعزاء خود را نظم میداده‌اند . مثلاً

هیئت سنگ تراشان ساعات کار و مزد آنها را تعیین میکردند
و ترقی صنعت را منظور نظر میداشته شک نیست که شهرت
صنایع قدیم هندوستان قسمت عمده مرهون این هیئتهاست
که همواره کمال و حد اعلائی صنعت را میخواستند . قضاوت
درباره آنها که از قواعد طبقاتی منحرف میشدند با پنجدیبات
طبقه بود و شخص مقصر اگر گناه بزرگی بر عهده میداشت
مردود اجتماع و مرده محسوب میشد .

مقام بعضی از این مأمورین موروثی بود مانند کدخدای
ده که با مأمورین وصول مالیات شاه سروکار داشت یا
محاسب ده که صورت املاک و میزان پرداختها را مینوشت .
این اشخاص مأمورین دولت نبوده و از طرف شاه تعیین
نمیشدند و از او حقوقی نداشتند لکن سروکارشان همیشه با
حکومت مرکزی بود قابل دقت این است که این ترتیب
قرنها بجای خود مانده فاتحین مسلمان آنها را از سلاطین هندو
گرفتند و سلاطین مغول بنوبه خود بانگلیسها واگذاشته
و هم اکنون این روش کاملاً جاری است .

بسیاری از رسوم قدیم متأسفانه از بین رفته و امروز
دهکده جدید مانند قدیم آنطور خود مختار یا کافی بحال
خود نیست علت عمده این تغییر تحولات اقتصادی است زیرا
اکنون راهها و خطوط آهن کشور را از هم گشوده دهقان
میتواند در بازار عمومی بخرد و بفروشد محصول خود را
از جوب یا پنبه و شکر بیازار ببرد و در عوض پارچه و
فت و کبریت که محصول کارخانجات است بگیرد . توسعه
صنایع راه پیدا کردن کار را در شهرها باز کرده دهقانان از
هر طبقه در طلب بخت بکارخانجات رو میآورند . در نتیجه

سختیهای رسوم طبقاتی اندکی
سست شده و افراد طبقات مختلف
را می بینید که بیک کار مشغولند .
پنجدیباتها اقتدار سابق خود
را از دست داده عمل دادرسی را
بقوانین دولتی و دادگاهها واگذار
کرده اند . مراعات را اکنون و کلا
در مقابل دادرسهایی که دولت
(بقیه در صفحه ۱۴)



را درگ کنیم و در نتیجه تعلیمات جنگ بهتر به تنظیم امور خود موفق شویم، بنابراین نمیتوان جنگ را چیز بدی دانست. ما ملتی زنده و فعال هستیم میتوانیم از تجربه‌های این جنگ نتایج سودمندی بگیریم.

(بقیه از صفحه ۱۱ تشکیلات اجتماعی در دهکده هندی)

تعیین کرده برعهده دارند بخلاف طرز باستان کارهای محلی توسط اداره کارهای عمومی و بوسیله کنتراتی‌ها انجام میشود.

لکن آثار رسوم قدیم بخصوص در مورد امتیازات طبقاتی هنوز زیاد است هنوز اجتماعات طبقاتی واقع میشود و هم اکنون پنجه‌بند هر طبقه با اعمال اعضاء خود رسیدگی میکند. ازدواج بین افراد طبقات مختلف گرچه شروع شده ولی نادر اتفاق می‌افتد و عقاید عمومی هنوز موافق آداب طبقاتی و مخالف اینگونه اختلاط است.

رسوم قدیم در دهات هنوز بقوت حکم فرماست سالخورده‌گان دهکده هنوز شبی در تکیه ده یا زیر درخت انجیر هندی گردآمده بکارهای ده میرسند و هنوز قوانین نانوشته را اجرا میکنند چه بسا مراعات که در این محاکم کهن حل شده بدادگاه نمیرسد. سر مالکم دارلینگ در یکی از یادداشت‌های جذاب جهانگردی خود مینویسد که دهقان جوانی بکشتن عم خویش متهم بود و در دادگاه دولتی محاکمه میشد لکن چون ساکنین ده همه سوگند یاد کردند که متهم در شب قتل‌جای دیگر بوده تبرئه شد. سالهای بعد بااطلاع سر مالکم میرسد که متهم راستی قاتل بوده اما چون مقتول با زن آن جوان راه داشته ریش سفیدان ده قتل را روا و کشتن قاتل را ناروا دانسته اهالی ده را بدروغ گفتن و ادار و قضاوت خود را جاری کرده اند. کمتر اتفاق می‌افتد که قانون دولتی دچار اینگونه اختلال بشود لکن در کارهای اجتماعی رای ریش سفیدان هنوز دارای وزن و اثر است.

وجود این سنت برای آینده موجب امیدواری است نمیدانیم روش سیاسی هند در آتیه چه خواهد بود زیرا طرز حکومت غربی در این کشور هنوز مورد آزمایش است لکن اساس زندگانی هندی استوار است و مردم ده باوجود تحولات اقتصادی باین دیرین زندگی میکنند و هر طورهست خود را با اوضاع تازه منطبق می‌سازند. رسوم قدیم دهکده هندی چنان قوی است که از تبدلات دهر سالم چسبه و در آینده طرز حکومت هند هرچه باشد این رسوم اساس آن خواهد بود.

میکنم در آن زمانی که شما پنج نفر چه بودید و من تازه پیشوهر شده بودم هر مساعدت مختصری بمامیشد درباره پرورش



شما چقدر مؤثر بود. چرا ما نباید خانواده‌های مفضل و فرزندان بسیار داشته باشیم مگر نه این است که فرزند یگانه خانواده غالباً بد بار می‌آید و ناز پرورده و فاسد میشود بطوری که نه بدرد خود می‌خورد نه بکار دیگران می‌آید؟

«فرد» رو بپادر خود کرده با خنده گفت: «ما بعد از این جنگ حتماً برادران و خواهران بسیاری خواهیم داشت. من هم در باب یکی بودن فرزند خانواده و معایب آن باشما هم عقیده‌ام و تصور میکنم مساعدت مالی بخانواده‌ها بهترین وسیله است برای اینکه بتوانند اطفال خود را بخوبی تربیت بنمایند.»

خانم راجرز پرسید: «بگمان شما ما انگلیسها در این جنگ هر روزی چه مبلغ بمصرف میرسانیم؟ خواهید گفت چندین میلیون لیره بسیار خوب اگر قسمتی از مصارف ایام جنگ را در روزگار صلح خرج کنیم مردم را از نعمت اسایش بهره‌مند و بارزش حقیقی صاحب واقف خواهیم ساخت.» در این جا ماری بسخن آمده اظهار کرد که «من و دخترانی که در اداره خدمات تعاونی کشور هستیم راجع باصلاحات بعد از جنگ مباحثاتی داشتیم. آنچه همه دخترها در ارزش بودند خانه کوچکی و شوهر مهربانی بود فکر آنها از این مرحله تجاوز نمیکرد فقط یکی از بانوان که حاضر بود چون شوهر داشت و صاحب فرزند بود میگفت از روی من داشتن شغلی و محل کمکی است که بتوانم اولادم را پرورش بدهم اما سایر دختران طالب خانه کوچک راحت و باب امروز بودند. بعقیده من اگر بخواهیم مقاصد این دختران را بعد از جنگ بعمل بیاوریم محتاج اصلاحات وسیع و بزرگی خواهیم بود.»

«فرد» گفت «از قضا ما هم در اردوگاه هواپیمایی پادشاهی همین مطلب را بحث میکردیم جوانانی که آنجا حضور داشتند عموماً مشتاق مسافرت و جهانگردی بودند و میگفتند اکثر ماها فضای اروپا را فقط از میان یک هواپیمای بمب افکن دیده ایم و برای تفریح قدم در آنجا نگذاشته ایم.»

جیم بر حسب عادت در پایان مجلس شروع بگفتار کرد و چنین گفت: «اگر در نتیجه این جنگ ما با استعدادهای باطنی خود بی‌بهریم و جنبه‌های مؤثر و زیبای وجود خود